

# پرتوی از سیره و سبای فاطمه زهرا

پرتوی از سیره و سبای فاطمه زهرا

۱- سایت تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها - گروه فرهنگی محدثه

[www.mohaddaseh.ir](http://www.mohaddaseh.ir)

[info@mohaddaseh.ir](mailto:info@mohaddaseh.ir)

[mohaddaseh@gmail.com](mailto:mohaddaseh@gmail.com)

## فهرست :

- مقدمه
- دانش اندوزی فاطمه
- آموزش دیگران
- عبادت فاطمه
- کردن بند با برکت
- نقش فاطمه در نبردهای صدر اسلام
- زهرا و آخرین لحظات زندگانی پیامبر
- چهل حدیث
  ۱. موقعیت اهل بیت در نزد خدا
  ۲. حرمت مست کننده ها
  ۳. بهترین زنان کیستند؟
  ۴. نتیجه عبادت خالص
  ۵. فاطمه در مقام شکوه از دو خلیفه
  ۶. بدترین امت
  ۷. نزدیکترین اوقات زن به خدا

۸. نتیجه صلوات بر زهرا
۹. علی، رهبر و پیشوا
۱۰. حجاب فاطمه
۱۱. دستور العملی جامع
۱۲. رضایت شوهر
۱۳. ثواب انگشتر عقیق
۱۴. علی، بهترین داور
۱۵. زنان دوزخی
۱۶. شرایط روزه دار
۱۷. داناترین و نخستین مسلمان
۱۸. کمک به ذراری پیامبر
۱۹. علی و شیعیان
۲۰. شیعه علی در قیامت
۲۱. قرآن و عترت در آخرین سخن پیامبر
۲۲. شستن دستها
۲۳. نتیجه گشاده رویی
۲۴. رنج خانه داری
۲۵. زیان بخل
۲۶. نتیجه سخاوت

۲۷. نتیجه سلام و تحیت بر رسول خدا و دخترش زهرا

۲۸. خنده اسرار آمیز

۲۹. پیامبر، پدر فرزندان زهرا

۳۰. خوشبخت واقعی

۳۱. پیامبر در جمع اهل بیت

۳۲. دعای پیامبر در وقت ورود و خروج از مسجد

۳۳. سحر خیزی

۳۴. مریض در پناه خدا

۳۵. نرمخویی در مقابل دیگران و احترام به زنان

۳۶. پاداش آزادی بردگان

۳۷. زمان استجابت دعا

۳۸. سستی در نماز

۳۹. شکست ظالم

۴۰. بخشی از خطبه زهرا

## مقدمه

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، دختر گرامی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و خدیجه کبری،

چهارمین دختر پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) است.

القاب حضرتش: زهرا، صدیقه، طاهره، مبارکه، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و بتول میباشد.

بیشتر مورخان شیعه و سنی، ولادت با سعادت آن حضرت را در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت در مکه

مکرمه میدانند.

برخی سال سوم و برخی سال دوم بعثت را ذکر کرده اند.

یک مورخ و محدث سنی، ولادت آن بانو را در سال اول بعثت دانسته است.

بدیهی است روشن ساختن زاد روز یا سالروز درگذشت شخصیت های بزرگ تاریخ هرچند که از نظر تاریخی و

تحقیقی باارزش و قابل بحث است، اما از نظر تحلیل شخصیت چندان مهم به نظر نمی رسد.

آنچه مهم و سرنوشت ساز است نقش آنان در سرنوشت انسان و تاریخ میباشد.

پرورش زهرا (علیها السلام) در کنار پدرش رسول خدا و در خانه نبوت بود؛ خانه ای که محل نزول وحی و آیه های

قرآن است.

آنجا که نخستین گروه از مسلمانان به یکتایی خدا ایمان آوردند و بر ایمان خویش استوار ماندند.

آن سالها در سراسر عربستان و همه جهان، این تنها خانه ای بود که چنین بانگی از آن برمیخاست: الله اکبر.

و زهرا تنها دختر خردسال مکه بود که چنین جنب و جوشی را در کنار خود میدید.

او در خانه تنها بود و دوران خردسالی را به تنهایی می گذراند.

دو خواهرش رقیه و کلثوم چند سال از او بزرگتر بودند.

شاید راز این تنهایی هم یکی این بوده است که باید از دوران کودکی همه توجّه وی به ریاضت های جسمانی و آموزشهای روحانی معطوف گردد.

حضرت زهرا (علیها السلام) بعد از ازدواج با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، به عنوان بانویی نمونه بر تارک قرون و اعصار درخشید.

دختر پیامبر همچنان که در زندگی زناشویی نمونه بود، در اطاعت پروردگار نیز نمونه بود.

هنگامی که از کارهای خانه فراغت می یافت به عبادت می پرداخت، به نماز، دعا، تضرّع به درگاه خدا و دعا برای دیگران.

امام صادق (علیه السلام) از اجداد خویش از حسن بن علی (علیه السلام) روایت کرده است که: مادرم شبهای جمعه را تا بامداد در محراب عبادت می ایستاد و چون دست به دعا برمی داشت مردان و زنان باایمان را دعا می کرد، اما درباره خود چیزی نمیگفت.

روزی بدو گفتم: مادر! چرا برای خود نیز مانند دیگران دعای خیر نمی کنی؟ گفت: فرزندم! همسایه مقدم است. تسبیح هایی که به نام تسبیحات فاطمه (علیها السلام) شهرت یافته و در کتابهای معتبر شیعه و سنی و دیگر اسناد، روایت شده نزد همه معروف است.

فاطمه (علیها السلام) تا وقتی که رسول خدا از دنیا نرفته بود، سختی ها و تلخی ها زندگی را با دیدن سیمای تابناک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بر خود هموار می نمود، ملاقات پدر تمام رنجها را از خاطرش می زدود و به او آرامش و قدرت می بخشید.

اما مرگ پدر، مظلوم شدن شوهر، از دست رفتن حقّ، و بالاتر از همه دگرگونی‌هایی که پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) - به فاصله ای اندک - در سنت مسلمانان پدید آمد، روح و سپس جسم دختر پیغمبر را سخت آزرده ساخت.

چنان که تاریخ نشان می دهد، او پیش از مرگ پدرش بیماری جسمی نداشته است.

داستان آنان را که به در خانه او آمدند و می خواستند خانه را با هر کس که درون آن است آتش زنند شنیده اید. خود این پیشامد، به تنهایی برای آزردن او بس است، چه رسد که رویدادهای دیگر هم بدان افزوده شود. دختر پیغمبر، نالان در بستر افتاد.

زنان مهاجر و انصار نزد او گرد آمدند.

آن بانوی دو جهان، خطبه ای بلیغ در جمع آن زنان بیان فرمود که با نقل بخشی کوتاه از آن، گوشه ای از درد دین و سوز و گداز مکتبی زهرا (علیها السلام) و شکوه او از مردم فرصت طلب و غاصبان ولایت را درمی یابید.

از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بیدرد ندانی که چه دردی است! «به خدا سوگند، اگر پای در میان می نهادند، و علی را بر کاری که پیغمبر به عهده او نهاد، می گذاردند، آسان آسان ایشان را به راه راست می بُرد، و حقّ هر یک را بدو می سپرد... شگفتا! روزگار چه بوالعجب ها در پس پرده دارد و چه بازیچه ها یکی پس از دیگری برون می آرد.

راستی مردان شما چرا چنین کردند؟ و چه عذری آوردند؟ دوست نمایانی غدار، در حقّ دوستان ستمکار و سرانجام به کیفر ستمکاری خویش گرفتار.

سر را گذاشته و به دم چسبیدند! پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند! نفرین بر مردمی نادان که تبه‌کارند و

تبه‌کاری خود را نیکوکاری می‌پندارند! «سرانجام، دختر پیغمبر، دنیا را به دنیا طلبان گذاشت و به لقای

پروردگارش شتافت.

فاطمه را شبانه دفن کردند و علی (علیه السلام) او را به خاک سپرد و رخصت نداد تا ابوبکر بر جنازه او حاضر

شود، و او این گونه مظلوم و شهید از دنیا رفت.

در تاریخ شهادت آن بانوی بزرگ نیز محدثان اقوال گوناگونی دارند که مشهورتر از همه، سیزده جمادی الاولی

سال یازده هجری و دیگری سوم جمادی الثانی همان سال است.

### دانش اندوزی فاطمه

فاطمه (علیها السلام) از همان آغاز، دانش را از سرچشمه وحی فرا گرفت.

آنچه را از اسرار و دانش‌ها، پدر برای او باز می‌گفت، علی (علیه السلام) می‌نوشت و فاطمه آنها را گرد می‌آورد

که کتابی به نام مصحف فاطمه شد.

### آموزش دیگران

فاطمه زهرا (علیها السلام) با بیان احکام و معارف اسلام، زنان را به وظایفشان آشنا می‌ساخت.



فضّه خدمتگزار فاطمه (علیها السلام)، که از شاگردان و پرورش یافتگان مکتب اوست در مدت بیست سال جز با آیات قرآن سخنی نگفت و هر گاه قصد بیان مطلبی را داشت با آیه ای متناسب از قرآن، منظور خویش را بیان میکرد.

فاطمه (علیها السلام) نه تنها از فراگرفتن دانش خسته نمی شد، بلکه در یاد دادن مسائل دین به دیگران از حوصله و پشتکار فراوانی برخوردار بود.

روزی زنی نزد او آمد و گفت: مادری پیر دارم که در مورد نماز خود اشتباهی کرده و مرا فرستاده تا از شما مسأله ای بپرسم.

زهرا (علیها السلام) سؤال او را پاسخ فرمود.

زن برای بار دوم و سوم آمد و مسأله پرسید و پاسخ شنید، این کار تا ده بار تکرار شد و هر بار آن بانوی بزرگوار، سؤال وی را پاسخ فرمود.

زن از رفت و آمدهای پی در پی شرمگین شد و گفت: دیگر شما را به زحمت نمی اندازم.

فاطمه (علیها السلام) فرمود: باز هم بیا و سؤالهایت را بپرس، تو هر قدر سؤال کنی من ناراحت نمی شوم، زیرا از پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شنیدم که فرمود: روز قیامت علمای پیرو ما محشور می شوند و به آنها به اندازه دانششان خلعت های گرانبها عطا می گردد و اندازه پاداش به نسبت میزان تلاشی است که برای ارشاد و هدایت بندگان خدا نموده اند.

## عبادت فاطمه

حضرت زهرا (علیها السلام) بخشی از شب را به عبادت مشغول می شد.

آن قدر نمازهای شب او طولانی می شد و بر روی پاهایش می ایستاد که پایش ورم می کرد.

حسن بصری متوفای ۱۱۰ هجری گوید: هیچ کس در میان امت از نظر زهد و عبادت و پارسایی از فاطمه (علیها

السلام) والاتر نبود.

## گردن بند با برکت

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد نشسته بود و اصحاب به دورش حلقه زده بودند.

پیر مردی با لباسهای ژولیده و حالتی رقت بار از راه رسید، ضعف و پیری توان را از او ربوده بود، پیامبر به سویش

رفت و جوپای حالش شد.

آن مرد پاسخ داد: ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، فقیری پریشان حالم، گرسنه ام مرا طعام ده، برهنه

هستم مرا بیوشان، بینوایم گرهی از کارم بگشا.

پیامبر فرمود: اکنون چیزی ندارم ولی «راهنمای خیر چون انجام دهنده آن است.» سپس او را به منزل فاطمه

(علیها السلام) راهنمایی کرد.

پیرمرد فاصله کوتاه مسجد و خانه فاطمه (علیها السلام) را طی کرد و دردش را برای او گفت.

زهرا (علیها السلام) فرمود: ما نیز اکنون در خانه چیزی نداریم، سپس گردن بندی را که دختر حمزه بن عبدالمطلب به او هدیه کرده بود از گردن باز کرد و به پیرمرد فقیر داد و فرمود: این را بفروش ان شاء الله به خواسته ات برسی.

مرد بینوا گردن بند را گرفت و به مسجد آمد.

پیامبر همچنان در میان اصحاب نشسته بود.

عرض کرد: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، فاطمه (علیها السلام) این گردن بند را به من احسان نمود تا آن را بفروشم و به مصرف نیازمندی ام برسانم.

پیامبر گریست.

عمّار یاسر عرض کرد: یا رسول الله! آیا اجازه می دهی من این گردن بند را بخرم؟ پیامبر فرمود: هر کس خریدارش باشد خدا او را عذاب ننماید.

عمّار یاسر از اعرابی پرسید: گردن بند را چند می فروشی؟ مرد بینوا گفت: به غذایی از نان و گوشت که سیرم کند، لباسی که تنم را بپوشاند و یک دینار خرجی راه که مرا به خانه ام برساند.

عمّار پاسخ داد: من این گردن بند را به بیست دینار طلا و غذا و لباسی و مرکبی از تو خریدم.

عمّار مرد را به خانه برد و او را سیر کرد، لباسی را به او پوشاند، او را بر مرکبی سوار کرد و بیست دینار طلا هم به

او داد، آن گاه گردن بند را با مُشک خوشبو ساخت و در پارچه ای پیچید و به غلام خود گفت: این را به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) تقدیم کن، خودت را هم به او بخشیدم.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز غلام و گردن بند را به فاطمه بخشید.

غلام نزد فاطمه (علیها السلام) آمد.

آن حضرت گردن بند را گرفت و به غلام فرمود: من تو را در راه خدا آزاد کردم.

غلام خندید.

فاطمه (علیها السلام) راز خنده اش را پرسید.

پاسخ داد: ای دختر پیامبر! برکت این گردن بند مرا به خنده آورد که گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشاند،

فقیری را غنی نمود، پیاده ای را سوار نمود، بنده ای را آزاد کرد و عاقبت هم به سوی صاحب خود برگشت.

### نقش فاطمه در نبردهای صدر اسلام

در طول ۱۰ سال حکومت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مدینه ۲۷ یا ۲۸ غزوه و ۳۵ تا ۹۰ سریه در تاریخ ذکر شده است.

غزوه که جمع آن غزوات است به جنگ هایی گفته می شود که شخص پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)،

فرماندهی مستقیم آن را به عهده داشت و پا به پای سربازان اسلام در معرکه جنگ حاضر و ناظر نبردها و

مانورهای نظامی بود.

سریه که جمع آن سرایا است به جنگ هایی گفته می شود که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بی آن که

خود در آن شرکت کند، گروهی را به فرماندهی شخصی به جبهه ها و مرزهای کشور اسلامی، برای نبرد یا دفاع

احتمالی، اعزام میکرد.

گاهی برخی از این مأموریت های رزمی به خاطر فاصله زیاد جبهه ها از مدینه، حدود دو یا سه ماه به طول می

انجامید.



پس از نبرد، «صفیّه» خواهر حمزه به اتفاق فاطمه (علیها السلام) کنار پیکر مثله شده قرار گرفت و شروع به گریستن کرد. فاطمه (علیها السلام) نیز می گریست و پیامبر هم با او گریه می کرد و خطاب به حمزه می فرمود: هیچ مصیبتی مثل مصیبت تو به من نرسیده است.

آن گاه خطاب به صفیّه و فاطمه فرمود: مژده باد که هم اکنون جبرئیل به من خبر داد که در آسمانهای هفتگانه، حمزه شیر خدا و شیر رسول خداست.

پس از نبرد احد، فاطمه زهرا (علیها السلام) تا زنده بود، هر دو سه روز یک بار به زیارت شهدای احد می رفت. در نبرد خندق، فاطمه زهرا (علیها السلام) نانی را برای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برد، پیامبر پرسید: این چیست؟ فاطمه (علیها السلام) پاسخ داد: نان پختم، دلم آرام نگرفت تا این که برایتان آوردم.

پیامبر فرمود: این اولین غذایی است که پس از سه روز در دهان می گذارم.

در نبرد موته، جعفر بن ابیطالب به شهادت رسید و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به خانه وی رفت و همسر و فرزندان را دلداری داد و از آنجا به خانه فاطمه (علیها السلام) رفت.

فاطمه می گریست.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: بر مثل جعفر باید گریه کنندگان بگریند.

سپس رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: برای خانواده جعفر غذایی تهیه کنید، زیرا امروز آنها خود را فراموش کرده اند.

فاطمه زهرا (علیها السلام) در فتح مکه نیز حضور داشت.

«امّ هانی»، خواهر علی (علیه السلام) گوید: در روز فتح مکه دو نفر از خویشان مشرک شوهرم را پناه دادم و هنوز آنها در خانه ام بودند که ناگهان برادرم علی (علیه السلام)، در حالی که سواره و زرهپوش بود، پیدا شد و به طرف آن دو تن شمشیر کشید.

میان او و ایشان ایستادم و گفتم: اگر بخواهی آن دو را بکشی، باید مرا هم پیش از آنها بکشی! علی (علیه السلام) بیرون رفت، در حالی که چیزی نمانده بود آنها را بکشد.

من خود را به خیمه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در بطحا رساندم و آن حضرت را پیدا نکردم، ولی فاطمه را دیدم و ماجرا را برایش گفتم.

دیدم فاطمه از همسر خود قاطعتر است.

او با تعجب گفت: تو هم باید مشرکان را پناه دهی؟ در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رسید و از حضرتش برای آن دو امان طلبیدم.

پیامبر به آنان امان داد، سپس به فاطمه فرمود که برای او آب فراهم کند تا شستشو نماید.

هنگامی که هند، همسر ابوسفیان، و دیگر زنان مشرکین برای اعلام پذیرش اسلام و بیعت به حضور پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رسیدند، فاطمه (علیها السلام)، همسر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و گروهی از زنان عبدالمطلب حضور داشتند.

در ماه رمضان سال دهم هجری، علی (علیه السلام) از سوی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای یک مأموریت مهم رزمی، تبلیغی و به فرماندهی سیصد سواره نظام به یمن، که در قلمرو حاکمیت پیامبر بود، اعزام شد.

مأموریت با موفقیت کامل انجام گرفت و عده زیادی نیز به اسلام گرویدند.

علی (علیه السلام) طی نامه ای گزارش کار خود را از یمن برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرستاد.

پیامبر در پاسخ علی (علیه السلام) امر فرمود که برای انجام مراسم حجّ، به موقع خود را به مکه رساند، و پیک با

این پیام به سوی علی (علیه السلام) باز گشت.

پیامبر در ماه ذیقعدہ آن سال به مردم مدینه و قبایل مجاور اعلام کرد که قصد دارد حجّ را به جای آورد و بدین

ترتیب، عدّه زیادی برای سفر حجّ مهیّا شدند.

آن حضرت در روز ۲۵ ذیقعدہ سال دهم هجری قمری از مدینه حرکت نمود و در ذوالحلیفه احرام بست.

همه همسران پیامبر نیز در این سفر همراه شدند، آنها به هودج ها سوار بودند، فاطمه (علیها السلام) نیز با آنان

بود و در این سفر عبادی، مناسک حجّ را به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) انجام می داد.

علی (علیه السلام) پس از گذشت سه ماه از مأموریت، در ایّام حجّ به مکه رسید و در آنجا همسرش فاطمه زهرا

(علیها السلام) را دید.

پس از مراسم با شکوه حجّه الوداع، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، هنگام بازگشت به مدینه در غدیر خم،

در یک اجتماع صدهزار نفری، علی (علیه السلام) را به فرمان خداوند به امامت و جانشینی خود منصوب نمود.

با توجّه به حضور فاطمه زهرا (علیها السلام) در حجّه الوداع با اطمینان می توان گفت که آن حضرت در مراسم با

شکوه غدیر خم حضور داشته است.

## زهرا و آخرین لحظات زندگانی پیامبر

بیماری رسول خدا در روزهای آخر عمرش شدت یافت.



فاطمه (علیها السلام) در کنار بستر پیامبر، چهره نورانی و ملکوتی پدر را می نگریست که از شدت تب عرق می ریخت.

فاطمه در حالی که به پدر نگاه می کرد به گریه افتاد، پیامبر نتوانست ناآرامی دخترش را تحمل کند، در گوش او سخنی گفت که فاطمه آرام شد و لبخند زد.

لبخند زهرا (علیها السلام) در آن حال شگفت آور بود.

از او سؤال کردند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) چه رازی را به او فرمود؟ پاسخ داد: تا پدرم زنده است رازش را فاش نمی کنم.

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) راز آشکار شد.

فاطمه گفت: پدرم به من فرمود: تو نخستین کس از اهل بیت من هستی که به من ملحق می شوی، و از این رو شاد شدم.

در میان سخنان اندکی که از دختر گرامی رسول خدا در مجامع روایی فریقین نقل شده، چهل حدیث را، که هر

یک درسی از فضیلت و فهم دین و حیا و دعوت به توحید است، برگزیدم، تا دل های حقجویان و جویندگان

معارف خاندان نبوی و علوی بدان روشنی یابد و با الهام از این کلمات نورانی، چراغ حکمت و هدایت ولایت

شبستان فاطمی را به هنگام تحیر و ضلالت، در پیش پای خود برافروخته و فروزان بینند.

## چهل حدیث

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ):

## موقعیت اهل بیت در نزد خدا

«وَاحْمَدُوا الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ يَبْتَغَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، وَنَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَنَحْنُ

خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ.»

خدایی را حمد و سپاس گوئید که به خاطر عظمت و نورش، هر که در آسمانها و زمین است به سوی او وسیله می

جوید، و ما وسیله او در میان مخلوقاتش و خاصان درگاه و جایگاه قدس او و حجت غیبی و وارث پیامبرانش

هستیم.

## حرمت مست کننده ها

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): يَا حَبِيبَةَ أَبِيهَا كُلِّ مُسْكِرٍ

حَرَامٌ، وَ كُلِّ مُسْكِرٍ حَمْرٌ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به من فرمود: ای دوست پدر! هر مست کننده ای حرام است، و هر مست

کننده ای خمر است.

## بهترین زنان کیستند؟

قَالَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) فِي وَصْفِ مَا هُوَ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ: خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرِينَ الرِّجَالَ، وَ لَا يَرُونَ نَهْنًا.

حضرت در وصف این که بهترین چیز برای زنان چیست، فرموده اند: این که زنان، مردان را نبینند، و مردان هم زنان را نبینند.

### نتیجه عبادت خالص

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ): «مَنْ أَمْعَدَ إِلَيَّ اللَّهُ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ.»

هر که عبادت خالص را به سوی خدا بالا فرستد، خداوند متعال برترین بهره و سودش را به سوی او پایین فرستد.

### فاطمه در مقام شکوه از دو خلیفه

«قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) لِلْأَوْلِيِّينَ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ حَدَّثْتُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ):

تَعْرِفَانِهِ وَتَفْعَلَانِ بِهِ؟ قَالَا نَعَمْ. فَقَالَتْ: نَشَدْتُكُمْ اللَّهُ أَلَمْ تَسْمَعَا رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «رِضَا فَاطِمَةَ مِنْ رِضَايَ، وَ سَخَطُ

فَاطِمَةَ مِنْ سَخَطِي، فَمَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَ مَنْ أَرْضَى فَاطِمَةَ فَقَدْ أَرْضَانِي، وَ مَنْ أَسَخَطَ فَاطِمَةَ فَقَدْ

أَسَخَطَنِي»؟ قَالَا نَعَمْ، سَمِعْنَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، فَقَالَتْ: فَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّكُمْ

أَسَخَطْتُمَانِي وَ مَا أَرْضِيْتُمَانِي وَ لَبِنُ لَقِيتُ النَّبِيَّ لِأَشْكُوتُكُمْ إِلَيْهِ.»

حضرت زهرا (علیها السلام) خطاب به خلیفه اول و دوم فرمود: آیا اگر حدیثی را از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله

وسلم) نقل کنم به آن عمل خواهید کرد؟ گفتند: آری.

فرمودند: شما را به خدا آیا نشنیده اید که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده اند: «خشنودی فاطمه خشنودی من، و خشم فاطمه خشم من است، هر که دخترم فاطمه را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر که فاطمه را خشنود سازد مرا خشنود ساخته، و هر که فاطمه را خشمگین نماید مرا خشمگین نمود هاست؟» گفتند: آری، چنین حدیثی را از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیده ایم.

فرمود: من هم خدا و فرشتگان را گواه می گیرم که شما دو نفر مرا خشمگین نمودید و خشنودم نساختید، و چون پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را ملاقات نمایم حتماً از شما به او شکایت خواهم نمود.

### بدترین امت

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ غَدَّوْا بِالنَّعِيمِ، الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَلْوَانَ الطَّعَامِ، وَ يَلْبَسُونَ أَلْوَانَ الثِّيَابِ وَ يَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ.

بدترین امت من کسانی هستند که: از انواع نعمتها تغذیه می کنند و خوراکی های رنگارنگ می خورند، و لباسهای گوناگون می پوشند، و هر چه بخواهند می گویند.

### نزدیکترین اوقات زن به خدا

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ عَنِ الْمَاهِي؟ قَالُوا: عَوْرَةً، قَالَ: فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا؟ فَلَمْ يَدْرُوا.

فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) ذَلِكَ قَالَتْ: أَذْنِي مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از اصحابش پرسید: زن چیست؟ گفتند: زن ناموس است.

فرمود: زن چه موقع به خدایش نزدیکتر است؟ اصحاب نتوانستند جواب گویند.

چون این سخن به گوش فاطمه (علیها السلام) رسید، فرمود: نزدیکترین اوقات زن به خدای خود هنگامی است که

در گنج خانه خود باشد.

پس از این جواب، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: حَقًّا که فاطمه پاره تن من است.

### نتیجه صلوات بر زهرا

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ

عَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَالْحَقَّ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به من گفت: ای فاطمه! هر که بر تو صلوات فرستد، خداوند او را بیامرزد و

به من، در هر جای بهشت باشم، ملحق گرداند.

## علی، رهبر و پیشوا

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: إِنَّ النَّبِيَّ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَ: «مَنْ كُنْتُ وَلِيَّةً فَعَلِيٌّ وَلِيَّتُهُ، وَمَنْ كُنْتُ إِمَامَةً فَعَلِيٌّ إِمَامُهُ».

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر که من سرپرست اویم، پس علی سرپرست اوست و هر که را من رهبر اویم، پس علی رهبر اوست.

## حجاب فاطمه

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنَا أَرَاهُ، وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ. فَقَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) همراه با مرد نابینایی به خانه فاطمه (علیها السلام) آمد، بلافاصله فاطمه (علیها السلام) خود را کامل پوشاند.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: چرا خود را پوشاندی با این که او تو را نمی بیند؟ فاطمه (علیها السلام)

فرمود: ای پیامبر خدا! اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و او بوی مرا حس می کند! پیامبر اکرم فرمود:

گواهی می دهم که تو پاره دل منی.

## دستور العملی جامع

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَقَدْ إِفْتَرَشْتُ فِرَاشِي لِلنُّوْمِ، فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ لَا تَنَامِي إِلَّا وَ قَدْ عَمِلْتِ أَرْبَعَةَ: خَتَمْتِ الْقُرْآنَ، وَ جَعَلْتِ الْأَنْبِيَاءَ شُفَعَاتِكَ، وَ أَرْضَيْتِ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ نَفْسِكَ، وَ حَجَجْتِ وَ اعْتَمَرْتِ، قَالَ هَذَا وَ أَخَذَ فِي الصَّلَاةِ، فَصَبَّرْتُ حَتَّى أَتَمَّ صَلَاتَهُ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَرْتِ بِأَرْبَعَةٍ لَا أَقْدِرُ عَلَيْهَا فِي هَذَا الْحَالِ! فَتَبَسَّمَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ قَالَ: إِذَا قَرَأْتِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَكَأَنَّكَ خَتَمْتِ الْقُرْآنَ، وَ إِذَا صَلَّيْتِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي كُنَّا شُفَعَاءَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ إِذَا اسْتَعْفَرْتِ لِلْمُؤْمِنِينَ رِضْوَانًا كُلَّهُمْ عَنْكَ، وَ إِذَا قُلْتِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَدْ حَجَجْتِ وَ اعْتَمَرْتِ.

در وقتی که بستر خواب را گسترده بودم، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بر من وارد شد، فرمود: ای فاطمه! خواب مگر آن که چهار کار را انجام دهی: قرآن را ختم کنی، و پیامبران را شفیعت گردانی، و مؤمنین را از خود راضی کنی، و حجّ و عمره ای را به جا آوری.

این را فرمود و شروع به خواندن نماز کرد، صبر کردم تا نمازش تمام شد، گفتم: یا رسول الله! به چهار چیز مرا امر فرمودی در حالی که بر آنها قادر نیستم! آن حضرت تبسمی کرد و فرمود: چون قل هو الله را سه بار بخوانی مثل این است که قرآن را ختم کرده ای، و چون بر من و پیامبران پیش از من صلوات فرستی، شفاعت کنندگان تو در روز قیامت خواهیم بود، و چون برای مؤمنین استغفار کنی، آنان همه از تو راضی خواهند شد، و چون بگویی: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، حجّ و عمره ای را انجام داده ای.

## رضایت شوهر

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): وَيْلٌ لِمَرْأَةٍ أُغْضِبَتْ زَوْجَهَا وَطُوبَى لِمَرْأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: وای به حال زنی که شوهرش را خشمگین سازد، و خوشا به حال زنی که شوهرش از او خشنود باشد.

## ثواب انگشتر عقیق

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ تَخَتَّمَ بِالْعَقِيقِ لَمْ يَزَلْ يَرَى خَيْرًا.

کسی که انگشتر عقیق به دست کند، همیشه خیر می بیند.

## علی، بهترین داور

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلَيْهَا السَّلَام) عَنْ أَبِيهَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: إِنَّ نَفْرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَشَاجَرُوا فِي شَيْءٍ فَسَأَلُوا حَكَمًا مِنَ الْأَدَمِيِّينَ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ أَنْ تَخَيَّرُوا، فَاخْتَارُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ.

گروهی از فرشتگان درباره چیزی با یکدیگر مشاجره نمودند، حاکم و داور را از بنی آدم تقاضا کردند، خداوند متعال به آنها وحی فرمود که خودتان انتخاب کنید و آنان علی ابن ابیطالب (علیه السلام) را برگزیدند.



## زنان دوزخی

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)... يَا بِنْتِي أُمًّا الْمُعَلَّقَةَ بِشَعْرِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ لَا تَغْطِي شَعْرَهَا مِنَ الرِّجَالِ، وَ أُمًّا الْمُعَلَّقَةَ بِلِسَانِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُؤْذِي زَوْجَهَا... وَ أُمًّا الَّتِي كَانَ رَأْسُهَا رَأْسَ خِنْزِيرٍ، وَ بَدَنُهَا بَدَنَ الْحِمَارِ فَإِنَّهَا كَانَتْ نَمَامَةً كَذَّابَةً.  
وَ أُمًّا الَّتِي كَانَتْ عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ فَإِنَّهَا كَانَتْ قَيْنَةً نَوَاحَةَ حَاسِدَةٍ.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) (درباره مشاهدات خود از عذاب دوزخیان در شب معراج) فرمود: دخترم! اما زنی که به مویش آویخته شده بود، کسی بود که مویش را از مردان نمی پوشانید، و آن که به زبانش آویزان بود، زنی بود که شوهرش را آزار می داد... و آن که سرش سرِ خوک و بدنش بدنِ الاغ بود، زنی بود که سخنچین و دروغگو بود، و آن که صورتش به شکل سگ بود، زنی بود که آواز می خواند و نوحه سرایی می کرد و حسد می ورزید.

## شرایط روزه دار

عَنْهَا (عَلَيْهَا السَّلَام) قَالَتْ: مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامٍ إِذَا لَمْ يَصْنَعْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ.  
روزه دار چون زبانش و گوشش و چشمش و اعضایش را [از حرام] نگه ندارد، روزه دار نیست.

## داناترین و نخستین مسلمان

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): زَوْجُكَ أَعْلَمُ النَّاسِ عِلْمًا، وَ أَوْلَهُمْ سِلْمًا، وَ أَفْضَلُهُمْ حِلْمًا.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به من فرمودند: شوهر تو در دانش، داناترین مردم و نخستین مرد مسلمان و در بردباری، برترین مردم است.

## کمک به ذراری پیامبر

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): أَيُّمَا رَجُلٍ صَنَعَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي صَنِيعَةً فَلَمْ يُكَافِئْهُ عَلَيْهَا، فَأَنَا الْمُكَافِئُ لَهُ عَلَيْهَا.

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: هر کسی برای فردی از فرزندان من کاری انجام دهد و بر آن کار پاداشی نگیرد، من پاداش دهنده او خواهم بود.

## علی و شیعیان

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: إِنَّ أَبِي (صلى الله عليه وآله وسلم) نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ قَالَ: هَذَا وَ شِيعَتُهُ فِي الْجَنَّةِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) نگریست و فرمود: این شخص و پیروانش در بهشت اند.

### شیعه علی در قیامت

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ لِعَلِيِّ (عليه السلام): يَا أَبَا الْحَسَنِ أَمَا إِنَّكَ وَشِيعَتُكَ فِي الْجَنَّةِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود: ای ابالحسن! آگاه باش که تو و پیروانت در بهشت هستید.

### قرآن و عترت در آخرین سخن پیامبر

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: سَمِعْتُ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ يَقُولُ - وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْحُجْرَةُ مِنْ أَصْحَابِهِ - أَيُّهَا النَّاسُ يُوْشِكُ أَنْ أَقْبِضَ قَبْضًا يَسِيرًا، وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ مَعْدِرَةً إِلَيْكُمْ، أَلَا إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ كِتَابَ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ وَ عِترتي أَهْلَ بَيْتِي.

ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ، فَاسْتَلُّكُمْ مَا تَخْلُقُونِي فِيهِمَا.

از پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در هنگام مرضی که به سبب آن از دنیا رفت - و در حالی که خانه، مملو از اصحاب بود - شنیدم که فرمود: ای مردم! نزدیک است که به آسانی از میان شما رخت ببرند، و به تحقیق سخنی که عذر را بر شما تمام کند پیش فرستادم.

بدانید که من در میان شما، کتاب پروردگارم و عترتم، اهل بیتم را بر جای می گذارم.

آن گاه دست علی را گرفت و فرمود: این علی با قرآن است و قرآن با علی است، از هم جدا نمی شوند تا هر دو در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

من در قیامت از شما از آنچه درباره این دو پس از من انجام دهید، خواهم پرسید.

### شستن دستها

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، لَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ مَنْ بَاتَ وَ فِي يَدِهِ عَمْرٌ.  
رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: سرزنش نکند جز خود را، کسی که شب کند، در حالی که دستش چرب و بدبو باشد.

### نتیجه گشاده رویی

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: أَلْبَشْرُ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ.  
گشاده رویی در چهره مؤمن برای صاحبش، بهشت را سبب می شود.

## رنج خانه داری

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ مَجَلَّتْ يَدَايَ مِنَ الرَّحَى، أَطْحَنُ مَرَّةً، وَ أَعْجَنُ مَرَّةً.

ای رسول خدا! دو دستم از سنگ آسیا پینه بسته، یک بار آرد می کنم و یک بار خمیر می سازم.

## زیان بخل

«عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِيَّاكَ وَالْبُخْلَ، فَإِنَّهُ عَاهَةٌ لَا تَكُونُ فِي

كَرِيمٍ. إِيَّاكَ وَالْبُخْلَ فَإِنَّهُ شَجْرَةٌ فِي النَّارِ، وَأَعْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَعْصَانِهَا أَدْخَلَهُ النَّارَ.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: از بخل ورزیدن پیرهیز، زیرا که بخل آفتی است که در شخص

بزرگوار نیست.

از بخل پیرهیز، زیرا که آن درختی است در آتش دوزخ که شاخه هایش در دنیا است، هر که به شاخه ای از شاخه

هایش در آویزد، داخل جهنمش گرداند.

## نتیجه سخاوت

«عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): وَ عَلَيْكَ بِالسَّخَاءِ، فَإِنَّ السَّخَاءَ شَجَرَةٌ

مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ، أُغْصَانُهَا مُتَدَلِّيَةٌ إِلَى الْأَرْضِ، فَمَنْ أَخَذَ مِنْهَا غُصْنًا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ.»

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) به من گفت: بر تو باد سخاوت و ورزیدن، زیرا که سخاوت درختی از درختان

بهشت است که شاخه هایش به زمین آویخته است، هر که شاخه ای از آن را بگیرد، او را به سوی بهشت می

کشاند.

## نتیجه سلام و تحیت بر رسول خدا و دخترش زهرا

«عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ لِي أَبِي وَ هُوَ ذَا حِيٍّ: مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ وَ عَلَيْكَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ.»

پدرم در زمان حیاتش به من فرمود: هر که بر من و تو تا سه روز تحیت و سلام بفرستد، بهشت بر او واجب گردد.

## خنده اسرار آمیز

«لَمَّا مَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) دَعَا ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ فَسَارَّهَا، فَبَكَتْ، ثُمَّ سَارَّهَا فَضَحِكَتْ، فَسَأَلْتُهَا عَنْ

ذَلِكَ، فَقَالَتْ: أَمَا حِينَ بَكَيتُ فَإِنَّهُ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ مَيِّتٌ، فَبَكَيتُ، ثُمَّ أَخْبَرَنِي أَنِّي أَوْلُ أَهْلِهِ لِحُوقًا بِهِ فَضَحِكْتُ.»

هنگامی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) مریض شد، دخترش فاطمه را نزد خود خواند و در گوش او

سخن گفت.

فاطمه (علیها السلام) گریه کرد، مجدداً رسول خدا با او نجوا کرد، فاطمه (علیها السلام) خندید.

عایشه گوید: در این باره از حضرت زهرا (علیها السلام) پرسیدم، فرمود: چون پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

مرگش را به من خبر داد، گریستم، پس از گریه ام به من خبر داد که نخستین کسی که او را ملاقات کند من

هستم، در نتیجه خندیدم.

### پیامبر، پدر فرزندان زهرا

«عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قَالَتْ: قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ بَنِي

أُمَّ عَصَبَةً يَنْتَمُونَ إِلَيْهَا إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَأَنَا وَلِيُّهُمْ وَأَنَا عَصَبَتُهُمْ.»

فاطمه (علیها السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده که فرمود: همانا خداوند عز و جل ذریه

هر یک از فرزندان مادری را سبب ارتباط و خویشاوندی قرار داده که به وسیله آن ذریه به او منسوب می شوند،

مگر فرزندان فاطمه (علیها السلام) که من سرپرست و خویشاوند آنها هستم [و به من منسوب می شوند].

### خوشبخت واقعی

«عَنْهَا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): هَذَا جَبْرَيْلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُخْبِرُنِي: إِنَّ

السَّعِيدَ، كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ، مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ وَفَاتِي.»

فاطمه (علیها السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده که فرمود: ابن جبرئیل (علیه السلام) است که مرا خبر می دهد: همانا خوشبخت، تمام خوشبخت و خوشبخت واقعی، کسی است که علی را، در زندگی ام و پس از مرگم، دوست داشته باشد.

### پیامبر در جمع اهل بیت

«عَنْهَا (علیها السلام) قَالَتْ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) فَبَسَطَ ثَوْبًا وَقَالَ لِي: اجْلِسِي عَلَيَّ، ثُمَّ دَخَلَ الْحَسَنُ فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ مَعَهَا، ثُمَّ دَخَلَ الْحُسَيْنُ فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ مَعَهُمَا، ثُمَّ دَخَلَ عَلِيٌّ (علیه السلام) فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ مَعَهُمْ، ثُمَّ أَخَذَ بِمَجَامِعِ الثَّوْبِ فَضَمَّهُ عَلَيْنَا ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ أَلَلَّهُمَّ ارْضِ عَنْهُمْ كَمَا آتَى عَنْهُمْ رَاضٍ.»

بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد شدم، جامه ای را گستراند و فرمود: بنشین، در این وقت حسن (علیه السلام) آمد، فرمود: نزد مادرت بنشین، بعداً حسین (علیه السلام) آمد. فرمود: با اینها بنشین. پس علی (علیه السلام) آمد. فرمود: تو نیز با اینان بنشین، آن گاه اطراف جامه را گرفت و روی ما انداخت. فرمود: خدایا! اینها از من اند و من از اینهایم، خدایا! از اینان راضی باش، همان طور که من از اینها راضی ام.



## دعای پیامبر در وقت ورود و خروج از مسجد

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ».

وَإِذَا خَرَجَ يَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ».

فاطمه (عليها السلام) فرموده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) چون داخل مسجد می شد می فرمود:

«به نام خدا، خدایا بر محمد درود فرست و گناهانم را ببامرز و درهای رحمتت را برایم باز کن!» و چون خارج می

شد می فرمود: «به نام خدا، خدایا بر محمد درود بفرست و گناهانم را ببامرز و درهای بخششت را برایم باز کن!»

## سحر خیزی

«عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: مَرَّ بِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ أَنَا مُضْطَجِعَةٌ مُتَصَبِّحَةٌ فَحَرَكَتَنِي بِرِجْلِهِ وَ قَالَ يَا بُنَيَّةُ قَوْمِي فَاشْهَدِي رِزْقَ رَبِّكَ وَ لَا تَكُونِي مِنَ الْغَافِلِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ أَرْزَاقَ النَّاسِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ.»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بر من گذشت، در حالی که در خواب صبحگاهی بودم، مرا با پایش تکان داد و فرمود: دخترم! برخیز شاهد رزق و روزی پروردگارت باش و از غافلان مباش، زیرا که خداوند روزی های مردم را بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم می کند.

## مریض در پناه خدا

«عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مَلَائِكَتِهِ أَنْ ارْقَعُوا

عَنْ عَبْدِ الْقَلَمِ مَا دَامَ فِي وَتَاقِي، فَإِنِّي أَنَا حَبَسْتُهُ حَتَّى أَقْبِضَهُ أَوْ أُحْلِيَ سَبِيلَهُ. كَانَ أَبِي يَقُولُ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى

مَلَائِكَتِهِ أَكْتُبُوا لِعَبْدِي أَجْرَ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي صِحَّتِهِ.»

فاطمه (عليها السلام) فرموده است: پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: چون بنده خدا بیمار گردد،

خداوند به فرشتگانش وحی می کند: قلم تکلیف را از بنده ام – تا وقتی که در عهد و پیمان من است – بردارید،

زیرا خودم او را بازداشت نموده تا جانش را بگیرم یا آزادش گذارم. پدرم می فرمود: خداوند به فرشتگانش وحی

فرستاد که برای بنده بیمارم پاداش کارهایی را که در وقت سلامت من انجام می داد، بنویسید.

## نرمخویی در مقابل دیگران و احترام به زنان

عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): خِيَارُكُمْ أَلْيَنُكُمْ مَنَاقِبَهُ وَأَكْرَمُهُمْ لِنِسَائِهِمْ.

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده است: بهترین شما نرمخوترین شما به اطرافیان و بزرگوارترین شما

به زنان است.

## پاداش آزادی بردگان

«عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُؤْمِنَةً كَانَ لَهُ بِكُلِّ عَضْوٍ

مِنْهَا فَكَأَكْ عَضْوٍ مِنَ النَّارِ.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر که بنده مؤمنی را آزاد کند، به ازای هر عضوی از آن بنده،

عضوی از او از آتش جهنم آزاد گردد.

### زمان استجابت دعا

«عَنْ أَبِيهَا رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَتْ: قَالَ: إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ

تَعَالَى فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أُعْطَاهُ إِيَّاهُ، إِذَا تَدَلَّى نِصْفَ الشَّمْسِ لِلْغُرُوبِ.»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: در روز جمعه ساعتی است که بنده مسلمان در آن وقت چیزی از

خدا نخواهد مگر آن که خداوند به او عطا گرداند، و آن وقتی است که نیمه خورشید به سوی مغرب نزدیک گردد.

### سستی در نماز

«عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: سَأَلْتُ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِمَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ

النِّسَاءِ.

قال (صلى الله عليه وآله وسلم): مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ إِبْتِلَاءُ اللَّهِ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَرْفَعُ اللَّهُ

الْبَرَكَةَ مِنْ عُمْرِهِ، وَ يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ رِزْقِهِ، وَ يَمْحُوا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ سِيَمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ، وَ كُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا

يُوجِرُ عَلَيْهِ، وَ لَا يَرْتَفِعُ دَعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ، وَ أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا، وَ يَمُوتُ جَانِعًا، وَ

يَمُوتُ عَطْشَانًا، فَلَوْ سُقِيَ مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يُرَوْ عَطْشُهُ، وَ يُوكَلُ اللَّهُ مَلَكًا يَزْعَجُهُ فِي قَبْرِهِ، وَ يَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ وَ

تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ، وَ يُوَكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَى وَجْهِهِ، وَ الْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ، وَ يُحَاسِبُ حِسَابًا شَدِيدًا، وَ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ لَا يُزَكِّيهِ وَ لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ.»

از پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره مردان و زنانی که در نمازشان سستی و سهل انگاری می کنند، پرسیدم.

آن حضرت فرمودند: هر زن و مردی که در امر نماز، سستی و سهل انگاری داشته باشد، خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می گرداند: ۱- خداوند، برکت را از عمرش می گیرد، ۲- خداوند، برکت را از رزق و روزی اش می گیرد، ۳- خداوند، سیمای صالحین را از چهره اش محو می کند، ۴- هر کاری که بکند بدون پاداش خواهد ماند، ۵- دعایش مستجاب نخواهد شد، ۶- برایش بهره ای از دعای صالحین نخواهد بود، ۷- ذلیل خواهد مُرد، ۸- گرسنه جان خواهد داد، ۹- تشنه کام خواهد مرد، به طوری که اگر با همه نهرهای دنیا آبش دهند، تشنگی اش برطرف نخواهد شد، ۱۰- خداوند، فرشته ای را برمی گزیند تا او را در قبرش ناآرام سازد، ۱۱- قبرش را تنگ گرداند، ۱۲- قبرش تاریک باشد، ۱۳- خداوند فرشته ای را برمی گزیند تا او را به صورتش به زمین کشد، در حالی که خلائق به او بنگرند، ۱۴- به سختی مورد محاسبه قرار گیرد، ۱۵- و خداوند به او ننگرد و او را پاکیزه نگرداند و او را عذابی دردناک باشد.

### شکست ظالم

«عَنْهَا (عليها السلام) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): مَا اتَّقَى جُنْدَانِ ظَالِمَانِ إِلَّا تَخَلَّى اللَّهُ

مِنْهُمَا، فَلَمْ يُبَالِ أَيْتُهُمَا غَلَبَ، وَ مَا اتَّقَى جُنْدَانِ ظَالِمَانِ إِلَّا كَانَتِ الدَّائِرَةُ عَلَى أُعْتَاهُمَا.»

فاطمه (علیها السلام) فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: دو سپاه ستمگر به هم نرسند،

مگر آن که خداوند آن دو را به حال خود واگذارد، و باکی نداشته باشد که کدام یک پیروز گردد.

و دو سپاه ستمگر به هم نرسند، مگر آن که هزیمت و شکست از آن سپاه ظالمتر باشد.

### بخشی از خطبه زهرا

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلَيْهَا السَّلَام) فِي خُطْبَتِهَا الْمَعْرُوفَةِ: حَضْرَتِ زَهْرَا (عَلَيْهَا السَّلَام) دَرِ اَن سَخْرَانِي مَعْرُوفِش دَرِ

مسجد فرمود:

– جَعَلَ اللهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيْرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ: خداوند ايمان را برای تطهير شما از شرک قرار داد،

– وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا لَكُمْ مِنَ الْكِبْرِ: و نماز را برای پاک شدن شما از تکبر،

– وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ: و زکات را برای پاک کردن جان و افزونی رزقتان،

– وَ الصِّيَامَ تَثْبِيْتًا لِلْإِخْلَاصِ: و روزه را برای تثبیت اخلاص،

– وَ الْحَجَّ تَشْيِيْدًا لِلدِّيْنِ: و حج را برای قوت بخشیدن دین،

– وَ الْعَدْلَ تَنْسِيْفًا لِلْقُلُوْبِ: و عدل را برای پیراستن دلها،

– وَ إِطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ: و اطاعت ما را برای نظم یافتن ملت،

– وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ: و امامت ما را برای در امان ماندن از تفرقه،

– وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ: و جهاد را برای عزت اسلام،

– وَ الصَّبْرَ مَعُوْنَةً عَلَيَّ اسْتِيْجَابِ الْأَجْرِ: و صبر را برای کمک در استحقاق مزد،

- وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ: و امر به معروف را برای مصلحت و منافع همگانی،
  - وَ بِرَ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السُّخْطِ: و نیکی کردن به پدر و مادر را سپر نگهداری از خشم،
  - وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَّمَةً لِلْعَدَدِ: و صله ارحام را وسیله ازدیاد نفرات،
  - وَ الْفِصَاصَ حَقْنًا لِلدَّمَاءِ: و قصاص را وسیله حفظ خونها،
  - وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَغْرِيبًا لِلْمَغْفِرَةِ: و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت قرار گرفتن،
  - وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَايِيلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسِ: و به اندازه دادن ترازو و پیمانہ را برای تغییر خوی کمفروشی،
  - وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ: و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از پلیدی،
  - وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ: و دوری از تهمت را برای محفوظ ماندن از لعنت،
  - وَ تَرْكَ السَّرِقَةِ إِجَابًا لِلْعَفَّةِ: و ترک سرقت را برای الزام به پاکدامنی،
  - وَ حَرَمَ الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ: و شرک را حرام کرد برای اخلاص به پروردگاری او،
  - فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ بنابراین، از خدا آن گونه که شایسته است بترسید و نمیرید،
- مگر آن که مسلمان باشید،
- وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ وَ خُذُوا مَا آتَاكُمْ مِنْهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ يَرْتَابِعُ لَكُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ الْإِنْسَانَ إِلَى سُوءِهِمْ إِذَا مَلَاحَتْهُ الْأُمُورُ مِنَ الدُّنْيَا وَ هُوَ يَرْتَابِعُ لَكُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ الْإِنْسَانَ إِلَى سُوءِهِمْ إِذَا مَلَاحَتْهُ الْأُمُورُ مِنَ الدُّنْيَا وَ هُوَ يَرْتَابِعُ لَكُمْ
- کنید،
- فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ زیرا که «از بندگان، فقط آگاهان، از خدا می ترسند.» (سوره فاطر آیه

(۲۸)

